

دلمن ها و کارکردهای مختلف آن در نزد مردمان هزاره های گذشته

لاله عرفانی نمین^۱

چکیده

دلمن ها بناهایی متعلق به پیش از تاریخ اند که با چند تخته سنگ مسطح افقی و عمودی پوشانده شده اند. همانگونه که می دانیم، مطالعه فرهنگ عامه در همه زمانها و مکانها، کاری شایسته است. مقاله حاضر نیز پژوهشی در ارتباط با کارکردهای فرهنگ موسوم به دلمن، بر اساس شواهد تاریخی و باستان شناختی است و با تفسیر و تبیین و مطالعه داده‌ها، به دنبال حلقه ای برای ارتباط آنها با مطالعات مردم شناختی می باشد. در ارتباطات با دلمن ها آثار قلیلی در ایران به نگارش در آمده است. اما باید اذعان کنیم به رغم اینکه در برخی نواحی، دلمن هایی وجود دارد که قدمت آنها به ده هزار سال پیش باز می گردد، چنین آثاری هنوز هم مفهوم کارکردی خود را در بین مردمان کنونی برخی از مناطق جهان، از دست نداده اند. توجه عظیمی که به خاستگاه دلمن ها می شود به جهت پراکندگی آنها در نقاط مختلف جهان است. ممکن است اینها ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند، اما چنین به نظر می رسد که دارند و دقیقا همین مساله است که پژوهش پیرامون کارکردهای چنین بناهایی را ضروری می سازد. کلیدواژگان: دلمن، بناهای سنگی، مقابر خرسنگی، منهیر، کارکردگرایی..

۱. کارشناسی ارشد و دبیر تاریخ erfanimin@gmail.com

واژه دلمن را برگرفته از اصطلاحی به نام «تائول مائن»^۱ می‌دادند. در زبان برتونی واژه «تائول» به معنای تخته و «مائن» به معنای سنگ می‌باشد. این واژه در کل به معنای «تخته سنگ»^۲ است. اصطلاح مذکور، نخستین بار توسط افسری فرانسوی به نام «تئوفیله آورگنه»^۳ به کار برده شد. بنابه نوشته برخی از محققین، چون این قبیل آثار دوران سنگی، در خاک بروتانی به وفور یافت می‌شدند، از همین رو به زبان اهل آن محل، به منهیر (پایه های سنگی) و دلمن مشهور شده اند (ماله و ایزاک، ۱۳۳۲: ۲۵).

دلمن ها بناهایی از تخته سنگ عمودی اند که با چند تخته سنگ افقی که همچون سینی میز هستند، پوشانده شده بودند. تخته سنگهای مسطحی که عموماً روی چند پایه یا منهیر قرار دارند. با توجه به امکانات موجود در آن زمان برای چگونگی برپایی این سنگهای عظیم، نظریه های جدیدی از سوی برخی محققان مطرح شده و اینکه یا بشر آن روزگار به تکنیک های الکترو مغناطیس برای بی اثر کردن جاذبه زمین دست پیدا کرده بوده و یا اینکه موجودات فضایی در هزاران سال پیش توانسته اند با قدرت فوق العاده خود چنین بناهایی را ایجاد کنند. اما باید گفت که تحول در معماری در تمامی و یا بخش اعظمی از گیتی هم زمان صورت نگرفته اما توان برتری و غلبه انسان بر طبیعت را نمایان می‌کند.

در اکثر کشورها، نمونه هایی از چنین بناهایی وجود دارد که از نظر شیوه برپایی و چگونگی ساخت، در سبک های مختلفی بنا گردیده و با نامهایی همچون «منهیر»، «دلمن»، «تریلیت»^۴ و «استون هنج» (سه سنگی های دایره ای) طبقه بندی

1- Taol maen

2- Stone table

۳ - تئوفیله آورگنه Théophile Corret de la Tour d'Auvergne در ۲۳ نوامبر سال ۱۷۴۳ به دنیا آمد و در ۲۸ ژوئن ۱۸۰۰ از دنیا رفت. وی از سوی ناپلئون ملقب به «نخستین سرباز هنگ پیاده نظام فرانسه» first grenadier of France گردید. این فرد در عین حال عتیقه شناسی بود که باعث شد علاوه بر واژه دلمن واژه دیگری به نام منهیر یا سنگ‌افراشت Menhir در علم باستانشناسی کاربرد گسترده ای پیدا کند.

۴ - تریلیت ها (سه سنگی) دو بنای منهیر قائم شکل و تخته سنگ مسطح بر روی آن را شامل میشود و بیشتر به خانه های سنگی شباهت دارد زیرا علاوه بر دلمن و منهیر تخته سنگی نیز جهت مسدود کردن درب منازل در آن

شده اند.^۱ دهکده هایی متشکل از چند دلمن در کنار هم وجود دارد، که تعداد ثبت شده آنها در برخی مناطق به عدد ۹ نیز می رسیده است. بلندی برخی از این آثار تاریخی در حدود ۲ متر و ۴۰ سانتیمتر بوده و دارای نمایی شبیه به اتاقچه ای در ابعاد ۲×۴ متر می باشند. بعضی از سنگهای به کار رفته در دلمن ها اندازه عظیمی در حدود ۲/۹×۲/۶×۶۰ سانتی متر داشته و به همین دلیل برخی از آن به عنوان «میز سنگی» یاد کرده اند.

بزرگترین دلمن شناخته شده ای که تا بحال مشاهده شده، در برزیل واقع است. در اینجا سه دلمن وجود دارد که فضایی به مساحت یکصد متر مربع را اشغال کرده است. در نقاط مختلف جهان از جمله در ناحیه ماسیف سانترال^۲ فرانسه، بریتانیا، ایرلند، جزایر بالئاروس، جنوب اسپانیا، اردن و دیگر کشورها، دلمنها در مقادیر بسیار یافت شده اند. در مناطق مختلف ترکیه و به ویژه در ناحیه تراکیه نیز چنین بناهایی پیدا شده اند. از همین رو، اصطلاح مزبور در زبانهای مختلف کره ای، آلمانی، پرتغال و سایر کشورها با اصطلاحات و اسامی دیگری غیر از دلمن به کار برده می شود.^۳

در رابطه با توزیع و پراکندگی دلمن ها در نقاط مختل جهان، نظریاتی از سوی دانشمندان ابراز شده است. دلمن های کشف شده در ایران در نواحی آذربایجان و لرستان و دو سنگ افراشته در جزیره خارک می باشند. دلمنهای آذربایجان عمدتاً در نواحی نمین، منطقه چای قوشان و ادامه آنها تا تالش و آستارا هم دیده می شود. این

به کار برده میشد. بهترین و سخت ترین شیوه ساخت دلمنها تریلیتها هستند. تا جایی که عده ای ساختن آن را به مردم قرن بیستم نسبت می دهند. زیباترین فرم تریلیتها استون هنج می باشد.

۱- در واقع، دلمنها با وجود منهبیرها شکل اصلی خود را نشان می دهند و از نظر سبک معماری همچنین چگونگی قرار گرفتن و مناطق تحت پوشش به جز منهبیر به تریلیت ها، استون هنج و خرسنگی نیز تقسیم می شود.

2- Massif Central

۳- به عنوان مثال، دلمن با عناوینی همچون goindol (در زبان کره ای)، dolmain (در زبان ایرلندی)، cromlech (در زبان ولزی)، anta (در زبان پرتغالی)، Adamra (در زبان آبخازی)، döş (در زبان سوئدی) شناخته شده است. در زبان هندی به دلمن hunebed گفته می شود که ریشه آلمانی آن hanenbett یا hunengrad می باشد.

دل‌منها اولین بار توسط هیات باستانشناسی فرانسوی به سرکردگی دموورگان و برادرش کشف و مورد بررسی قرار گرفتند.

در این مقاله سعی اساسی ما بر این است که با کمک داده‌های تاریخی و باستانشناسی کارکردهای مختلف دلمن‌ها را در اعصار گذشته به شیوه تبیینی بررسی کرده و آن را از جنبه‌ها و جهات مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... مورد مطالعه قرار دهیم. این بررسی تا دوره‌ای که شکوفایی فرهنگ موسوم به دلمن، در سده سوم و نیمه دوم سده دوم پیش از میلاد، فروکش می‌کند، ادامه خواهد داشت. در عین حال از جمله سوالاتی که در اینجا مطرح است، آن است که چه جریان‌های از نظر جغرافیایی باعث شد که این نوع از سبک معماری با چنین شگفتی که از توان و اراده بشر آن روزگار خارج بود، ساخته شود؟

علوم تاریخ، باستان‌شناسی و مردم‌شناسی با شیوه‌های تحقیقی و پژوهشی خاص خود در بسیاری از مواقع لازم و ملزوم یکدیگرند. پژوهش حاضر هر چند در برخی مسائل بر اساس شیوه‌های مردم‌شناسی استوار است، اما می‌دانیم که روش‌های تحقیق در مردم‌شناسی و به پیروی از برخی شاخه‌های علوم انسانی و خصوصاً جامعه‌شناسی متکی بر شیوه‌های و اصولی است که کاوش مستقیم در بقایای مادی بر جای مانده از زندگی جوامع کهن در آن پیش‌بینی نشده است. از همین رو، عملاً در این راستا (تحقیق و پژوهش در زمینه تمدن‌های خاموش) دست محقق مردم‌شناسی بسته است. اینجاست که ارتباط مستقیم و تنگاتنگی بین علم باستان‌شناسی و مردم‌شناسی به وجود می‌آید. باستان‌شناسی با روش‌های خاص پژوهش میدانی خود مواد و مصالح لازم را فراهم کرده و ضمن آنکه خود به مطالعه و پژوهش در باب آنها می‌پردازد به محقق مردم‌شناس این فرصت را می‌دهد که وی نیز به تفسیر و تبیین و مطالعه داده‌ها بپردازد.

دلمن، سرپناه انسان عصر نوسنگی^۱

دلمن ها یکی از با ارزشترین آثار معماری به جای مانده از دوران سنگی یا نئولیتیک می باشند که انسانهای ماقبل تاریخ آن را ساخته اند. از آنجایی که دلمن های ساخته شده در عهد باستان، بر روی زمین واقع اند؛ فشار نیروهای طبیعی باعث شده که محتویات آنها در سطح گسترده ای جاروب شده و از همین رو باستانشناسان به تردید فرو رفته اند که این دلمن ها چه زمانی و چگونه مورد استفاده واقع می شده اند(هر، ۲۰۰۲: ۲۸۲). هنوز مشخص نیست که اولین دلمنها چرا، چگونه و توسط چه کسانی ساخته شده اند. با بررسی اولین شهرها در بین النهرین، دره سند، دره رودخانه نیل، دره مکزیک و مناطق مرتفع پرو در آمریکای جنوبی، آثار باستانی دلمن به وفور در این مناطق مشاهده می شود، دانشمندان معتقدند دلمنها تحول و ظهور انسان اولیه را به نمایش می گذارد. قدیمی ترین دلمن ثبت شده از نظر قدمت، مربوط به ۷۰۰۰ سال ق. م. است. بنابراین، انسان از دوران پیش از تاریخ در همان اوانی که سنگ ها را صیقل می داد، آثاری برافراشته که تا امروز پا برجاست. اینها عبارت از سنگهایی است که گاهی به صورت نتراشیده و بدون هیچ گونه ترتیب خاصی در جای جای زمین نصب گردیده اند.

برای بررسی دوره نو سنگی یا نئولیتیک لازم است نگاهی اجمالی به تحولات زندگی انسانها در روزگار ماقبل تاریخ(یا پیش از اختراع خط) داشته باشیم. در واقع، باید گفت که عصرحجر به دورانهای دیرینه سنگی(پالئولیتیک)، میانه سنگی (مزولیتیک) و نوسنگی (نئولیتیک) تقسیم می شود. در دوره دیرینه سنگی شاهد دو نوع هنر به لحاظ پیشرفت می باشیم. هنر خاکی و هنر غاری. هنر خاکی شامل ابزار زندگی و وسایل زینتی کوچک است که از سنگ یا استخوان ساخته شده و بیشتر ازقبور مربوط به این دوره استخراج شده اند و هنر غاری شامل کنده کاری و نقاشی بر غارهاست که بیشتر ترسیم اشکال حیوانات و شکار بوده و در عین حال در برخی نقاط نقوشی ازعلائم هندسی نیز دیده می شود.

۱ - واژه نئولیتیک از دو بخش تشکیل شده است: lito یعنی سنگ و neo به معنی نو یا تازه. این دو کلمه یونانی معنای عصر نو سنگی را می دهد.

در دوره میانه سنگی که ۱۰ هزار تا ۶ هزار ق م را شامل می‌شود، به تدریج زیستگاههای دائم در کنار رودخانه‌ها و سواحل پدید آمد. در این دوره انسان به اهلی کردن حیوان از جمله سگ می‌پردازد و نیز به صید ماهی پرداخته و به ساخت ابزار ظریف و کوچک‌تر به وسیله سنگ در کنار استخوان و عاج مشغول است. نو سنگی از ۳ هزار تا ۱۸ هزار ق. م را شامل می‌شود که در خاورمیانه به ۵ هزار ق م هم می‌رسد. در این دوره، مقدمات نوشتن خط فراهم می‌شود و ما در غارها و روی سنگها و صخره‌ها شاهد کنده کاری از نقوشی نزدیک به خط هستیم. این دوره که گاهی از آن به عنوان دوره درشت سنگی نیز یاد می‌شود؛ استفاده از سنگهای درشت برای بنای اقامتگاه و یا آرامگاههایی مرسوم می‌شود که امروزه نامهای دلمن، منهیر، ترلیت، استون و هنج بدانها داده می‌شود.

بنا به عقیده برخی از دانشمندان، عصر نوسنگی عصری است که در آن شرایط مساعدی برای زندگی از جهت گرمی هوا و رطوبت فراهم شد و این به دنبال پایان عصر یخ بندان است. هوای گرم و آزاد، انسانها را از زندگی در غارها بیزار کرده و زندگی در دره‌ها و جنگلهای سرسبز را بر غار نشینی ترجیح دادند. کلبه‌هایی از گل و شاخه‌های درختان ساخته شد و گرداگرد آن خندق یا حصاری نرده‌مانند کشیده شد. دهکده‌هایی برای زندگی دسته‌جمعی به وجود آمد. اما چگونگی ساخت این منازل بسیار مهم بوده است. انسانها به تدریج غلبه خود بر طبیعت را آغاز کرده بودند. سنگ به عنوان ماده اصلی مستحکمی که در برآوردن نیازهای اساسی می‌توانست نقش بخصوصی داشته باشد، مورد استفاده قرار گرفت.

کشاورزی از مهمترین تحولات زندگی بشری بود که بزرگترین تاثیر آن یکجانشینی انسان برای کشت و زرع، محافظت از مزرعه و جمع‌آوری محصولات بوده است. از همین رو، لازم بود مکانی ساخته شود که امنیت زندگی و زیست بهتر را فراهم کند. اینگونه بود که با قرار دادن یا پهلوی هم گذاشتن تخته‌سنگهای بزرگ و جسیم بر روی یکدیگر، نخستین معماری و پناهگاه برای انسان فراهم می‌شود. به همین نحو است که انسان‌های نخستین با به خدمت گرفتن سنگ به عنوان ماده‌ای مستحکم در مناطقی که به عنوان زیستگاه استفاده می‌شد، زندگی در غارها را کنار گذاشته و با کشاورزی،

پرورش حیوانات اهلی، صنعتگری و اختراع چرخ، دهکده های نیمه دائمی کشاورزی را به وجود آوردند.

از آنجا که هنوز زندگی به شیوه دسته جمعی در غارها برای غلبه بر خطرات طبیعی لازمه ادامه حیات انسانها بود. این نخستین پناهگاههای سنگی در فاصله ای کمتر از هم، به تعداد فراوانی ساخته شد که سرپوشی از سنگ بر آن نهاده و امروز در دنیای باستان از آن به عنوان دلمن یاد می شود. اما مساله ای که نباید در برخی موارد فراموش شود آن است که برخلاف عقیده رایج، دلمن یک از مصنوعات ساخته دست بشری در جاههایی از طبیعت بوده است که غار طبیعی در آنجا وجود نداشته است. به عنوان نمونه می توان در این مورد از فلسطین یاد کرد.^۱ بیشتر دلمن های موجود در این سرزمین در شرق اردن یافت شده اند. این در حالی است که در کوههای شانه عسلی مانند «افرائیم»^۲ و «یهودا»^۳ چنین بناهایی دیده نمی شود. البته برخی صاحب نظران، عدم وجود چنین بناهایی را در غرب اردن به واندالیسم یا نژادهای ویرانگر منتسب کرده اند که در طول تاریخ این سرزمین، آن را اشغال کرده اند.^۴

همچنین باید این نکته را هم بیفزاییم که، احتمالاً از دلمن به عنوان چیزی که شبیه به غار بود، در دوره نوسنگی یا دوره های بعد، از آن انتظار می رفته است که دارای کاربرد دوگانه ای باشد. به این مفهوم که، دلمن به عنوان مسکن دارای کاربرد دوگانه هم برای زندگان و هم برای نگهداری مردگان بوده است. اما یکی از جالب ترین مسائلی که در مورد دلمن های عصر نوسنگی می توان در اینجا بدان اشاره کرد، آن است که در اینگونه از سرپناها، مجموعه هایی یافت شده که بر روی آنها علائمی از عمل جراحی دیده می شود (مک اوردی، ۱۹۰۵: ۱۷).

۱- در این زمینه می توانید رجوع کنید به:

Macalister R.A.S.; A century of excavation in Palestine; Adrian: Nabu Press, 2011

2- Ephraim

3- Judah

۴ - در اینجا منظور از واندال یا واندالیسم، اشاره به کسانی است که از روی حماقت یا بدجنسی، آثار هنری یا همگانی را تخریب می کنند.

در هر حال، علاوه بر عصر نوسنگی، در عصر مفرغ نیز می‌توان به نمونه‌های بسیاری از دلمن‌ها برخورد کرد که اغلب مورد بررسی پژوهشگران قرار گرفته‌اند.^۱

ریشه‌های مذهبی دلمن

در عصر مفرغ تا سده‌های سوم و چهارم ق. م انواع دلمن‌ها جهت امور مذهبی نیز به کار می‌رفته‌اند. برخی از محققان از کاربرد عمده آن در امور مذهبی سخن به میان آورده و این تمدن را مظهر و نماینده انتشار آیین مذهبی در اروپای غربی قلمداد کرده‌اند. عده‌ای از دانشمندان نیز با این نظر موافق‌اند که برآمدن خرسنگ‌ها^۲ یا سنگ‌های یادمان را باید در مذهب شرک و دیدگاه‌های فلسفی مردمان اعصار باستان جستجو کرد که به آنچه که در اطراف شان بود از جمله به نه‌های آب، سنگ‌ها و درختان شخصیت می‌بخشیدند. به عنوان مثال، یهودیان عهد باستان با پرستش درختان و بناهای سنگی بیگانه نبودند. برخی از پژوهشگران، در یکی از اسفار تورات (سفر پیدایش، ۲۸، ۱۰-۱۲، ۳۱، ۴۴-۵۴) شواهدی از اعتقاد به نیروی سحرآمیز سنگ پیدا کرده و دیگری تایید کرده‌اند که در اویدهای هند هنوز هم به پرستش دلمن‌ها ادامه می‌دهند. حتی آن سنگ‌های ایستاده‌ای که توسط امپراتوران روم با منظوره‌های دیگری از قبیل علائم مرزی استفاده شده‌اند نیز مطابق با رفتارهای آیینی و تشریفات مذهبی ساخته شده‌اند. بنا به نوشته‌های کلاسیک، این سنگ‌ها در حلقه‌هایی از گل قرار داده می‌شدند و تدهین می‌گردیدند. حیوان قربانی شده را در چاله‌ای که قرار بود سنگ در آن قرار داده شود می‌سوزاندند و قبل از اینکه سنگها بر روی خاکسترهای داغ نصب شوند، بخور و دانه و شانه‌های عسل و شراب را بر روی آتش‌ها می‌افشاندند. (مریفلد، ۱۹۸۷: ۳۸).

۱ - برای نمونه ن. ک:

Polcaro A and Vito Francesco Polcaro ;Early Bronze Age Dolmens in Jordan and their orientations; Mediterranean Archaeology and Archaeometry, Special Issue, Vol. 6, No 3, 2006, pp. 169-174; Polcaro, A., (2006) The dolmens and the Concept of Death in Early Bronze Palestine, Proc. of the 5th ICAANE Conference, Madrid, 3-8 April, 2006
2- Megalith

با بررسی نقش مذهب در دوره باستان، تا حدود زیادی تاثیر اعتقادات انسانها را در سبک و چگونگی برپایی این معماری می توان دید. با مطالعه فرهنگ عامه در همه ازمنه و همچنین در تمامی اسطوره هایی که از خلقت سخن به میان می آید، می بینیم که صحنه مورد اشاره معمولا یک کوه، یگانه صخره استوار، یک تپه، یک درخت یا سنگ بلندی است که «قطب عالم» تلقی می شود. یکی از معروفترین آنها «اومفال»^۱ است که در زبان یونانی به معنای قطب عالم است.

دمولگان^۲ ترتیب قرار گرفتن این سنگهای بزرگ را به عنوان پرستشگاه می داند و اشنایدر^۳ آن را با تقویم ارتباط داده است. (رهبر گنجه، ۱۳۸۳: ۵۷) تصور می شود که این نوع خرسنگها همراه با قربانگاه و گورستان (یا با ترکیبی از کارکرد هر دو) احداث می شدند. بنا به نوشته یکی از پژوهشگران، مکانهایی که در آنها دلمن وجود داشت به محلی برای زیارت شدند و خود سنگهای یادمان نیز به محلی برای پرستش. مردمان تپه های دامنه کوهها را با گل آراسته کرده و با نذر و نیازهای خود رو بدانجا نهادند (مارکووین، ۲۰۰۲: ۶۸). پرستش دلمن ها در قفقاز چیز جدیدی نبوده است. لاروف متذکر می شود که در قرن بیستم زمین های اطراف دلمن ها در قفقاز برای عبادت و پرستش مورد استفاده قرار می گرفتند. آبخازها دلمن ها را پرستش کرده و چرکس ها اعتقاد داشتند که هر گونه آسیبی به دلمن ها، مجازات خداوند را به دنبال خواهد داشت. (همان، ۷۱-۷۰)

در هر حال، دلمن ها مکانهایی بودند که اعضای خانواده در مراسم یا جشن یادبود در آن حضور به هم می رسانیدند. اینها مکانهایی برای داد و ستد گسترده کالا، محل کسب اطلاعات و همچنین مکانهایی برای کارکردهای اجتماعی بوده اند. این همان جایی است که اهداف سیاسی، اقتصادی و قانونی از آن عاید می شده است. به تدریج مکانهای نزدیک این خرسنگها به مکانی راحت تبدیل شد که راسته های تجاری و مسکونی از آن پدید آمد و شهرکها نمایان شدند.

همان طور که قبلا نیز اشاره شد، دلمنها که از تخته سنگهای صیقل داده شده ساخته شده اند، معمولا بر روی سه یا چهار پایه سنگی (منهیر) قرار دارند. در برخی از دلمنها این تخته سنگها دارای نقوشی است که محققان را از جهت کاربرد این بناها به تامل وامی دارد. رایج ترین آنها، اشکال خورشید و مثلث می باشد که برخی معتقدند این نقوش نشان از پرستشگاه یا قربانگاه و عده ای نیز آن را نماد خورشید پرستی و یا مربوط به امور فلکی و نجوم می دانند.

با این توضیحات می توان مذهب را به عنوان مهمترین انگیزه برپایی دلمنها بیان کرد که با تخته سنگهای حجیم و وزن بسیار زیاد که جابجایی و قرار دادن آن توسط انسانها نشان از مهندسی خاص است و اخیرا برخی ساخت و جابجایی آنها را در آن دوران به موجودات فضایی نسبت می دهند.

جنبه مذهبی دیگر بناهای سنگی مشابه:

در تایید اینکه دلمن ها دارای کارکرد مذهبی بوده اند، باید نگاهی به دیگر بناهای مشابه نیز داشته باشیم. منهیرها نیز همچون دلمن ها تا حدودی جنبه مذهبی داشته و با دلمن و تریلیت و استون هنج معنا پیدا می کنند. همانگونه که اشاره شد منهیر به سنگهای عظیمی گفته می شود که بدون شکل و همانند ستون، سر پا ایستاده و کاربرد اصلی آن هنوز برای محققان قابل تشخیص نیست. منهیرها شکلهای متفاوت و جالب توجهی دارند. مساله قابل توجه این است که در عصر نئولتیک که در آن مذهب اهمیت خاصی داشته، شاید منهیر به عنوان نشان گور یا اجرای مراسم مذهبی استفاده می شده است. در تمدن خرسنگی اروپا، به عنوان مقبره یادبود شخصیتی از فرد بود. برخی نیز معتقدند منهیرها اولین شکل استفاده از سنگ به عنوان پناهگاه یا نشانی از مقبره بزرگانشان بود.

شاید همگان توافق داشته باشند که منهیرها نسبت به دلمن ها، در استفاده از آن به عنوان آرامگاه تقدم داشته باشند. اگر به چنین تقدیمی اعتقاد داشته باشیم، وجود منهیرها در داخل سازه های دلمن، ممکن است که چندین نوع تبیین دربرداشته باشد: فرض نخست بر مبنای منابع اقتصادی بنا شده و آن اینکه سازندگان بنا از همان

سنگ‌هایی برای دلمن استفاده می‌کردند که قبلا برای بنای آرامگاه بریده شده بودند. فرض دوم اینکه، برخی از گونه‌های آیینی، سازندگان دلمن را وادار می‌ساخت تا منهیرها را جابجا کرده و داخل بنای جدیدی به نام دلمن به کار گیرند. فرضیه دیگر نیز چنین است که دلمن‌ها دقیقا در همان جایی ساخته می‌شدند که منهیرها در آنجا بنا شده بود. از همین رو، این بنا تبدیل به دلمن می‌شد و بدین ترتیب تقدس بنا حفظ می‌شد. شاید تمامی فرضیات درست باشند (اولیویرا، ۲۰۱۱: ۸۰).



تصویر شماره ۱. دلمنی بر پایه منهیر

اسرار آمیزترین بناهای سنگی، استون‌هنج‌ها می‌باشند که در دشتهای به شکل دایره‌ای، با ترکیبی از منهیر و دلمن ساخته شده‌اند. این بناها نیز احتمالا دارای کارکرد مذهبی بوده‌اند. استون‌هنج‌ها از نظر کاربردشان برای نیایش و قربانی شباهت زیادی به زیگوراتها دارند. استون‌هنج که به نوعی سنگ‌های اخترشناسی نیز خوانده می‌شود از سالیزبوری در انگلستان تا کارناک فرانسه، برزیل، چین، آفریقا، و آسیا تا اروپای شرقی پراکنده‌اند. بزرگترین استون‌هنج در سالیزبوری انگلستان قرار دارد که در دشتی وسیع خود نمایی می‌کند و سالانه پذیرای گردشگران زیادی است. از نظر محققین استون‌هنج‌ها بلندترین و کوتاهترین روز از سال را نشان می‌داد و نوعی رصدخانه نجومی

پیچیده به شمار می‌آید. البته تفکر کنونی بر این اساس است که نه کاهنان و نه هیچ کس دیگری در ساخت آن نقشی نداشته و گاهی ساخت آنرا به موجودات فضایی از کرات دیگر نسبت می‌دهند. از استون هنج ها گاهی به عنوان قبور بزرگان یاد می‌شود پس در نظریه های مختلف در کاربرد استون هنج به آرامگاه و پرستشگاه در کنار نجوم بر می‌خوریم.

ارتباط بین دلمن و آرامگاه:

طی سالیان اخیر، پروفیسور اسمیت نظریه ای را در ارتباط با پراکندگی بناهای خرسنگی و دیگر اقلام فرهنگی به پیش برده که توجهات زیادی را به خود معطوف ساخته و کسی را یارای مخالفت با این نظریه نبوده است. نظریه مذکور به طور خلاصه چنین است: توسعه مقابر در دوره سلسله های «ماقبل» و دوره «پروتو» مصری^۱ منجر به توسعه دلمن ها در برخی نواحی مجاور گردید. بعدها، فنیقیان که مابین سالهای ۸۰۰ و ۶۰۰ پیش از میلاد، در جستجوی طلا، قلع، مس و دیگر اشیاء گرانبها بودند؛ این شکل از مقابر را به دورترین نقطه غربی اسپانیا، دورترین نقطه شمال بریتانی، جزایر بریتانیا و بالتیک منتقل نمودند. او بر این باور است که در مصر، دیدگاه های عجیب و غریبی در رابطه با زندگی پس از مرگ وجود داشت؛ به همین دلیل در ارتباط با حفاظت از بدن مرده، خواهان آن بودند که به هر نحو ممکن از تماس جسد با خاک اطراف آن اجتناب کنند(اسمیت، ۱۹۱۳: ۱۹۵-۱۹۳).

همانطور که قبلا نیز اشاره شد، می توان نشانی را از زندگی در دلمن ها به عنوان زیستگاه استنتاج کرد. به خصوص در مناطقی که سردسیر هستند و یا در جنگلها به صورت کلبه هایی با فرم مناسب جهت اقامت دیده می شوند، مانند دلمنهای موجود در روسیه و یا دلمنهای موجود منطقه نمین ایران. اما در عین حال گفتیم که عده ای از محققان از دلمنها به عنوان قبور و آرامگاه یاد کرده و بناهای سنگی عظیم را به عنوان بخشی از آیین های مرگ تلقی کرده اند که سنگ قبرهای امروزی نیز در این معنا هستند.

1-Egypt in pre- and proto-dynastic times

این نظر تا حدودی درست است اما باید متذکر شده که آیین مرگ مسیحیت توجه مفرطی نسبت به صلیب دارد. در هر حال، بنا به عقیده دانشمندان، شیوه برپایی سنگ قبرهای امروزی، شباهت کاملی به برپایی سنگهای ایستاده قدیمی دارد (ریورداین، ۱۹۷۹: ۱۴۳). دلایلی که نیز برای اثبات این نظریه مطرح می شود، کشف استخوانهایی از انسانها به همراه ابزار و وسایل زندگی در برخی دلمنهاست که وجود ابزار و وسایل زندگی از اعتقاد به زندگی پس از مرگ در دوره باستان حکایت دارد. مردگان اغلب در حالت نشسته، با ابزارهای سنگی،^۱ مفرغی و زیور آلات یکجا دفن شده اند.^۲ اما نباید از ادله های اساطیر هم در این زمینه غفلت ورزید. چرا که در افسانه های جن و پری روسی، تزاروویچ ایوان، قهرمانان حماسی و دیگر شخصیت ها از کنار یک سنگ کنار جاده ای عبور می کنند که آنها را به مرگ رهنمون می سازد. اینها سنگهایی هستند با نشانی از منهیر.

بررسی های «دکتر شوماخر»^۳ از اشیاء موجود در قبرها، نشان داده است که دلمن های موجود در فلسطین، همچون دلمن های یافت شده در سایر کشورهای جهان، به عنوان قبر مورد استفاده قرار می گرفته اند (لوکنبیل، ۱۹۱۰: ۲۹۸). همانگونه که می دانیم، در مذهب شرک مردمان عهد باستان عقیده بر این بود که همراه با مردگان باید غذا، نوشیدنی و اشیاء دیگر قرار داده شود. بدون هیچ شکی باید گفت که این کار آنان برای

۱ - عده ای از محققین، از دلمن های عصر سنگی نیز به عنوان گور یاد کرده اند. ن. ک.:

Martinsson-Wallin Helene, Paul Wallin; The story of the only (!) megalith grave on Gotland Island; Documenta Praehistorica XXXVII (2010), pp.77-84

۲ - برای نمونه، در بیست دلمنی که توسط دانشگاه اوویدو (University of Oviedo) مورد کاوش قرار گرفته، در تمامی تالارهای سنگی بقایای استخوان های انسانی دیده می شود که به صورت پراکنده دیده می شوند و به یکدیگر وصل نیستند. در آنها استخوان بلند و مجمله دیده نمی شود. وجود این بقایای انسانی دلالت بر استفاده از این بناها به عنوان آرامگاه دارد. ن. ک.:

Polcaro A; JEBEL MUTAWWAQ DOLMENS: CULT OF ANCESTORS IN EB I WADI AZ-ZARQA VALLEY(in); Paolo Matthiae, Frances Pinnock, Lorenzo Nigro and Nicolò Marchetti(ed.), Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East, Harrassowitz Verlag · Wiesbaden, Vol.2,2010,pp.554-555
3-Dr. Schumacher

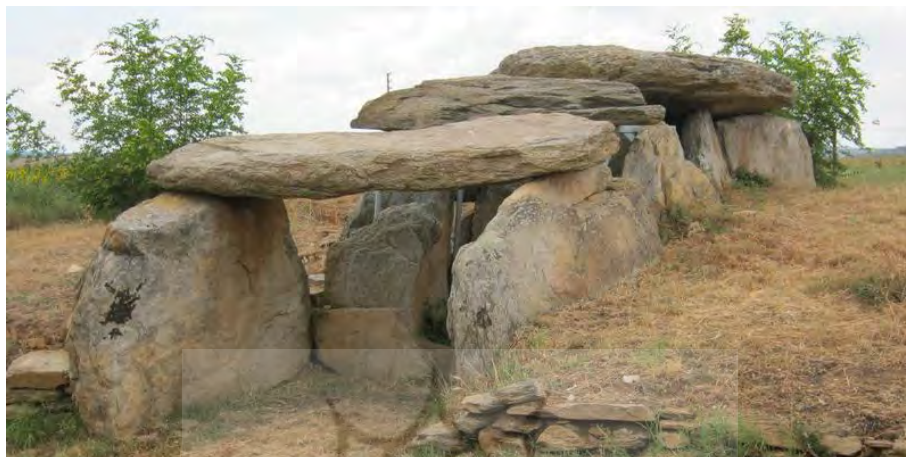
تامین مایحتاج ضروری مرده بوده است. اما نکته جالب توجهی که باید در این زمینه بدان پرداخت این است که در برخی مقابر و دلمن‌ها، چراغ نیز یافت شده است. شاید بتوان این گونه حدس زد که قرار دادن چراغ، آخرین نشان متداول از یک آیین ابتدایی در بین مردمان باستانی بوده است. شاید استفاده از آن به منظور گرم نگه داشتن بدن یا تامین روشنایی مرده بوده است. در بسیاری از دلمن‌های دانمارکی خاکستر چنین چراغ‌هایی یافت شده است.

در اغلب دلمن‌ها حفره‌ای در یکی از لوحه‌های سنگی حفر شده که بنا به عقیده اغلب دانشمندان این حفره‌ها اختصاص به مرده داشت. دیگر دانشمندان حدس می‌زنند که چنین حفره‌ای به جهت روح مرده بوده تا در فرصت مناسب بتواند از بدن خارج شود. به نظر می‌رسد که برخی یادمان‌های سنگی ایستاده در برخی فرهنگها، نمادی از پرستش نیاکان بوده باشند. در برخی جاهایی که مجموعه عظیمی از چنین سنگ‌های یادمان وجود دارد، مردمان محلی هنوز هم بدانها با شیوه‌ای روحانی احترام گذاشته و یا آنها را به گورستانهای جدید منتقل می‌کنند. چنین تصور می‌شود که این کار برای ارتباط با مردگان از طریق چنین سنگ‌های یادمانی می‌باشد (گاری، ۲۰۰۴: ۸۷). شایان ذکر است که در برخی از مذاهب، پا عضو خاصی از بدن است که روح در آن قرار دارد. اما صرف نظر از این اعتقادات می‌توان ایجاد حفره‌ها در دلمن‌ها را جهت استفاده از نور خورشید برای کسانی که در آن زندگی می‌کردند و در واقع نوعی پنجره‌های اولیه خطاب کرد.



تصویر شماره ۲- دلمن حفره دار

گاهی در کنار چنین دلمن‌هایی که عبارت از آرامگاه یا گور می‌باشد، مجموعه‌ای از دلمن‌ها در کنار هم وجود دارند و این‌گونه به نظر می‌رسد که راه سرپوشیده‌ای به وجود آورده‌اند. درازای چنین دلمن‌هایی که به شکل گالری در کنار هم قرار گرفته‌اند، گاهی وقتها به ۲۵ متر می‌رسد.



تصویر شماره ۳. دلمنی به شکل راه سرپوشیده (ادرنه - ترکیه)

گاهی اوقات، کل این گروه از دلمن‌ها، حاکی از دو یا سه دسته مرکزی از دلمن‌ها دارد. اینها که اغلب بر روی یک صفحه سنگی طبیعی مشابه و تقریباً در فاصله یک تا چهار متری از یکدیگر بنا شده‌اند. چنین تراکمی از دلمن‌ها، به طور فرضی می‌تواند انعکاسی از این باشد که هسته مرکزی خانواده‌های همخون، با گروهی از خانواده‌های خویشاوند آن، در طی نسل‌های بسیار از چنین بناهایی به منظور تدفین استفاده می‌کرده‌اند. در واقع حفاریهای باستان‌شناسی بر روی موارد خاصی از دلمن‌ها از جمله در تل‌ال‌اومیری^۱، آشکارا حاکی از آن است که مردمان این زمان از بناهای خرسنگی این چنینی به عنوان آرامگاه استفاده می‌کرده‌اند. دلیل آن هم این است که استخوانهای مربوط به تدفین‌های مختلفی از نسل‌های بسیار در اینجاها انباشته شده است.

برخی دلمن‌ها بر روی زمین و برخی از آنها نیز در زیر زمین قرار دارند و می‌توان دلمنهای روی زمین را به عنوان اقامتگاه و دلمنهای زیر زمینی را آرامگاه تلقی کرد.

برای بنای چنین آرامگاههایی، وجود بلوکهای سنگی بسیار بزرگ در نواحی مورد نظر، بسیار ضروری بوده است. در جاهایی که چنین سنگهایی وجود نداشت، مرده‌ها را به جای مقبره‌های سنگی بزرگ، در خاک و یا در «پیت هوس»^۱ که چیزی شبیه به کوزه بزرگ است دفن می‌کردند.

سبک دیگری از معماری در همین دوران وجود دارد که ارتباط زیادی با دلمنها دارد و آن تمدن خرسنگی می‌باشد. خرسنگ یا خر پشته به قطعات سنگی بزرگی گفته می‌شود که روی هم گذاشته شده تا جدا کردن آنها در هنگام عملیات به راحتی صورت گیرد. خرسنگها گاهی در کنار دلمنها خودنمایی می‌کنند. در ایتالیا و مناطق فاسا^۲ و آنگیه^۳ و سنگهای ایستاده به صورت افراشته به سبک قبور عصر مگالیتیک مشاهده شده که در اطراف آن سنگهای بزرگ بر روی سنگهای دیگر به شکل دایره‌ای پیچیده شده‌اند که شاید به این طریق محدوده قبرها را مشخص کرده‌اند.

دلمن و زایش انسان

سنگهای جادویی، مرموز و آغشته با قدرتهای فوق طبیعی، برای هزاران سال برای طلسم کردن، شفا دادن، لعن و نفرین کردن، خوش‌شانسی و فال استفاده می‌شدند. در افسانه‌های اسلاوی، طلسم‌ها همیشه تعدادی سنگ هستند که در کشوری آشفته قرار دارند. حول محور این سنگهای طلسم، مطالب بسیاری سروده شده است. در عهد باستان استفاده از سنگ به منظور نفرین کردن دشمن، عمل معمولی بوده است. اینگونه سنگها تا زمانهای اخیر در ایرلند مورد استفاده قرار می‌گرفتند. سنگ برای تضمین یک قول یا قرارداد نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.

جالب‌ترین نکته‌ای که کمتر بدان پردخانه شده این است که منپیرها به عنوان نماد و سمبلی از نیروی خلاق جنسی مردانه در نظر گرفته می‌شوند. از سوی دیگر، دلمن نیز به عنوان مدخلی زنانه برای رحم مادران زمین-عالم اموات است. در حالی که منپیر نمادی از قطب عالم تلقی می‌شود، دلمن سمبل تولد دوباره و فراتر از آن است. این دو

1- Pithos
2- Fassa
3- Angheie

با هم نشانه ای از «یین» و «یان»^۱ طبیعت، و کل نیروهای مکمل بوده است (همان، ۸۵-۸۴) در پولنیزی شرقی هر قبیله ای بناهای مذهبی خود را از عظیم ترین تخته سنگهای موجود بنا می کرد تا به عنوان مظهری از نیروی مردان قبیله ای بر جای بماند و ساختمان عظیم معماری دلمن ها، تریلیت ها، منهیر و استون هنج ها نیز متأثر از آن تصورات است.

اشاره شد که در اغلب دلمن ها حفره ای برای روح مرده وجود داشت. روح قادر بود که به سنگ جان ببخشد و زنان باردار به دنبال چنین سنگهایی بودند. عادت لمس کردن و مالیده شدن به این سنگ ها برای اطمینان از بارداری تا قرن بیستم به طول کشید و توسط زنان نواحی مختلفی از قبیل فرانسه، انگلستان، آفریقا، ایالات متحده آمریکا و آسیا به کار برده شد. چنین عملی حتی در بین بومیان آمریکا نیز مرسوم بوده است (همان، ۹۰) سنگ هایی که در آنها حفره وجود داشت نه تنها به منظور شفا، بلکه برای دیدن روح نیز استفاده می شدند. البته در مورد سنگهایی که به صورت طبیعی در آنها حفره ایجاد شده بود، عقیده ای مبنی بر این وجود داشت که در آن انواع گوناگونی از قدرتهای خارق العاده برای شفا دادن و محافظت کردن وجود دارد.

دلمن به عنوان جایگاه خرد:

در نظر برخی از پژوهشگران،^۲ دلمن مکانی بود که برای افراد بسیار متشخص یا احتمالا مقدس ساخته شده بود. احتمالا سرکرده یا رئیس قبیله ای وجود داشت که مشتاق بود تا به «حقیقت ازلی» پی ببرد و به بیتابی یا بیحالی زمانه شان غلبه کند. این افراد که هنوز خرد دهری خود را از دست نداده بودند، در درون این آرامگاه به «مدیتیشن ابدی» کشیده می شدند. سنگ بزرگ آرامگاه کنار زده می شد. شخص وارد تالار سنگی می شد. سپس سنگ بزرگ را به جای خود باز می گرداندند و شخص در انزوای کامل قرار

۱ - یین «Yin» بر طبق فلسفه چینی، نماد نیروی زنانگی و اساس جهانی و «یانگ» Yang نماد نیروی مردانگی بوده است

۲- در این رابطه، تحلیل فیلسوفانه از سوی یکی از پژوهشگران ارائه شده است. برای تفصیل بیشتر ن.ک: Megre, V.; Zveniaschchie kedry Rossii. Series Zveniaschchie kedry Rossii; Moscow, 1997, pp. 192- 195

می گرفت، بدون آنکه در مورد بازگشت خود بیندیشد. بعدها، مردم سنگ بزرگ آرامگاه را کنار زده و به تامل فرو رفته و از افکار شناور در آن تالار سنگی، در جستجوی اندرز بودند. در نظر آنان، روح خرد همیشه در آنجا حضور داشت. بنابراین در نظر برخی پژوهشگران، هر دلمنی یادمانی از خرد و قربانی بزرگ روح به خاطر نسلهای آینده بود. پرستش دلمن و استفاده از آن به عنوان منبع الهام غیبی، ریشه در شیوه های عرفانی ارتباط محرمانه با موجودات و نیروهای نهان کیهانی، بدون در نظر گرفتن فضا، زمان و امکانات فیزیکی چنین آیین هایی داشته است. چنین به نظر می رسد که یادمان هایی به نام دلمن، برای مقاصد عرفانی به کار گرفته می شدند و با خاصیت خود چنین القا می کردند که دیوارها و تفاسیل بنا، از «انرژی» و «نفس» مردمان باستان محافظت می کند.

نتیجه گیری:

دلمن ها متأثر از شرایط آب و هوایی، سنگهای موجود در منطقه، استحکام سنگها و وضعیت جغرافیایی منطقه، همچنین متأثر از فرهنگ، اعتقادات و ارزشهای ساکنان آن در سبکهایی مخصوص به خود ساخته شده اند. به عنوان مثال، در فلات ایران، خرپشته ها برای مقبره ها و به خصوص مقابر بزرگان ساخته می شدند و در تمدنهای قرون بعدی نیز می توان این روش بام سازی بر روی قبور را در نخستین گورهای دوران هخامنشی مانند آرامگاه کوروش مشاهده کرد و این ادامه سنت خانه سازی اقوام ایرانی است که پیش از آمدن به فلات ایران در مناطق باران خیز ساحل غربی و جنوبی دریای خزر زیسته و از آن راه به فلات ایران رسیده اند. در ارتباط با کارکرد این بناها نیز باید گفت که محققان از ظاهر این بناها درباره کاربرد شان به نتایج قطعی نرسیده اند؛ اما کاربردهای احتمالی که در مورد آنها حدس زده اند، عبارت اند از: کاربرد نجومی، قربانگاهی برای پیشگاه خدایان، آرامگاه مردگان، مکانی به عنوان سکونتگاه و محلی برای خورشید پرستی و غیره. می توان گفت که اغلب این حدسها تا حدودی نزدیک به واقعیت اند. نکته دیگری که به عنوان نتیجه گیری اساسی ما حائز اهمیت است، آن است که دلمن یکی از مصنوعات ساخته دست بشری در جاههایی از طبیعت بوده است

که غار طبیعی در آنجا وجود نداشته است. اما با این همه باید گفت که، دل‌من نمادی از غار یا چیزی شبیه به آن بوده و به عنوان مسکن دارای کاربرد دوگانه هم برای زندگان و هم برای مردگان بوده است. در پایان بنا به دلایل گوناگونی که گفته شد، می‌توان مذهب را به عنوان مهمترین انگیزه برپایی دل‌منها بیان کرد. در واقع، عمل برپایی سنگهای مقدس، بلافاصله پس از آنکه برقراری آیین مسیحیت به آیین رایج زمان خود نیز، تداوم پیدا کرد.

منابع:

رهبرگنجه، تورج (مرداد ۱۳۸۳)، **سرپناه انسان های نخستین؛** مجله کیهان فرهنگی « شماره ۲۱۴

ماله آلبر و ژول ایزاک (۱۳۳۲)، **تاریخ ملل شرق و یونان عبدالحسین هژیر،** ج دوم، تهران: انتشارات ابن‌سینا

Gary R. Varner(2004), *Menhirs, dolmen, and circles of stone: the folklore and magic of sacred stone*; NY: Algora Publishing

Herr, Larry G. (Dec., 2002), *5,000-Year-Old Burials Discovered in Jordan*; *Near Eastern Archaeology*, Vol. 65, No. 4, *Petra: A Royal City Unearthed*

Luckenbill, D. D. (May, 1910), *The Early Religion of Palestine*; *The Biblical World*, Vol. 35, No. 5

Macalister R.A.S.(2011), *A century of excavation in Palestine*; Adrian: Nabu Press

MacCurdy George Grant (Jan. - Mar., 1905), *Prehistoric Surgery-A Neolithic Survival*; *American Anthropologist*, New Series, Vol. 7, No. 1

Martinsson-Wallin Helene(2010), Paul Wallin; *The story of the only (l) megalith grave on Gotland Island*; *Documenta Praehistorica XXXVII*

MARKOVIN V.I. (Spring 2002), *Western Caucasian Dolmens* *Mysticism, Scientific Opinions and Perspectives on Further Study*; *Anthropology & Archeology of Eurasia*, vol. 41, no. 4



- Megre, V.(1997) Zveniashchie kedry Rossii. Series Zveniashchie kedry Rossii; Moscow
- Merrifield, Ralph.(1987), The Archaeology of Ritual and Magic. NY.: New Amsterdam Books
- Oliveira Jorge(2011),THE EARLY NEOLITHIC OF THE COUDELARIA DE ALTER IN THE CONTEXT OF THE MEGALITHISM OF NORTHERN ALENTEJO REGION ° PORTUGAL(in); Ramirez P. Bueno, E. Cerrillo Cuenca, From the Origins: The Prehistory of the Inner Tagus Region, BAR International Series2219
- Polcaro A and Vito Francesco Polcaro (2006),Early Bronze Age Dolmens in Jordan and their orientations; Mediterranean Archaeology and Archaeometry, Special Issue, Vol. 6, No 3
- Polcaro, A., (2006) The dolmens and the Concept of Death in Early Bronze Palestine, Proc. of the 5th ICAANE Conference, Madrid, 3-8 April
- Polcaro A(2010) JEBEL MUTAWWAQ DOLMENS: CULT OF ANCESTORS IN EB I WADI AZ-ZARQA VALLEY(in); Paolo Matthiae, Frances Pinnock, Lorenzo Nigro and Nicolò Marchetti(ed.), Proceedings of the 6th International Congress on the Archaeology of the Ancient Near East, Harrassowitz Verlag · Wiesbaden, Vol.2
- Riordáin, Seán P.(1979), Antiquities of the Irish Countryside. London: Methuen and Company Ltd.
- Smith G. Elliot(1913),The Origin of the Dolmen; Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland; Man, Vol. 13